

ایران و سیمای جدید نظامی گری در جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان 2.6% از تولید ناخالص داخلی خود را به هزینه‌های نظامی و دفاعی اختصاص می‌دهد که از این حیث رده سی‌ام را در جهان به خود اختصاص داده است

سرویس آذربایجان /خبرگزاری آران
نویسنده: الیاس واحدی، کارشناس مسائل قفقاز

ایرامس

مقدمه

جمهوری آذربایجان که در ابتدای استقلال خود با لشکرکشی خونین ارتش سرخ شوروی به باکو و رویداد معروف به ژانویه سیاه و پس از آن با شورش نظامیان ارمنی در قره باغ و تهاجم گسترده ارتش ارمنستان و اشغال قره باغ کوهستانی و 7 منطقه (رایون) آذری نشین در اطراف قره باغ روبرو گشت، گرایش چندانی به همکاری های گسترده نظامی نداشت. در این دوره آذربایجان یا مانند ایاز مطلوب به استمرار سلطه روسیه در ابعاد نظامی علاقه مند بود و یا مانند ابوالفضل ایلچی بیگ به جدایی آذربایجان از ساختار پسا شوروی و گرایش به غرب می‌اندیشد که برآیند هردوی اینها، نابسامانی داخلی و ضعف سیاست های دفاعی بود و رویه میانه حیدر علی یف سیاستمدار کهنه کار آذری، هرچند با موفقیت هایی همراه بود، ولی نه در دوران جنگ (سال های پایانی) منجر به بازپس گیری اراضی اشغالی کشور شد و نه پس از آتش بس توانست از راه های دیپلماتیک به این مهم نایل شود.

این رویه توسط الهام علی یف نیز دنبال شده و به رغم موفقیت های در خور توجه در عرصه های اقتصادی و تقویت بنیه نظامی کشور در زمینه اعاده تمامیت ارضی کشور هنوز به هدف خود نایل نشده است. به نظر می رسد حاکمیت آذربایجان تلاش های قبلی در زمینه تقویت توان نظامی کشور را ناکافی می داند و در صدد است تا تغییراتی را در سیمای نظامی کشور صورت دهد. تصویب دکترین نظامی در مجلس ملی کشور، نشان دهنده این است که حاکمیت کشور در پی شکل دهی هویت نظامی مستقل است. سیمای نظامی جدید کشور ابعاد مختلفی مشتمل بر توانمندی های داخلی و همکاری های نظامی خارجی خواهد داشت و تلاشهای آتی دولت باکو در این راستا ادامه خواهد یافت.

توسعه ارتش در جمهوری آذربایجان

تجهیزات نظامی و تسلیحات ارتش آذربایجان عموماً فاقد کارآمدی لازم برای نیازهای روز یک ارتش مدرن است. این تجهیزات عمدتاً باقیمانده تسلیحاتی است که ارتش شوروی پس از خروج از این سرزمین در دهه 1990 از خود به جای گذاشت. تلاش های باکو برای مدرن سازی این ارتش که پس از آتش بس در جبهه های جنگ با ارمنستان و بازگشت درآمدهای نفت و گاز شروع شد، به رغم ایجاد تغییرات محسوس و در خور توجه، هنوز نتوانسته است از این ارتش سیمای نظامی روزآمد و مدرن ارایه نماید.

جمهوری آذربایجان 2.6% از تولید ناخالص داخلی خود را به هزینه های نظامی و دفاعی اختصاص می دهد که از این حیث رده سی ام را در جهان به خود اختصاص داده است. این در حالی است که جمهوری ارمنستان به عنوان اصلی ترین خطر امنیتی و نظامی برای آذربایجان با اختصاص 6.5% از تولید ناخالص داخلی خود به هزینه های نظامی، در رده ششم جهان قرار دارد. البته با توجه به نسبت حدود 5 برابری اقتصاد آذربایجان به ارمنستان، هزینه های نظامی سالانه باکو حدود دو برابر ایران (2 میلیارد در برابر 1 میلیارد) تخمین زده می شود [1] شاید به همین سبب است که دولت ارمنستان به خاطر نگرانی از سرازیر شدن دلارهای نفتی باکو برای قدرتمند سازی ارتش، هزینه های نظامی را جزو اولویت های اول خود تلقی می کند. به عبارت دیگر هزینه خصومت دو کشور در آذربایجان از منابع ملی نفت و گاز و در ارمنستان از طریق فشار بر اقتصاد ملی و کاهش سهم سایر بخش های اقتصادی تامین می شود. هر چند در آذربایجان نیز مساله قره باغ مساله اصلی شمرده می شود، ولی روحیه نظامی گری در ساختار دولت و در جامعه کمتر می باشد. در سال های اخیر این کشور مدت زمان سربازی را برای افراد تحصیل کرده از 18 ماه به 12 ماه کاهش داده است. [2]

زیر ساخت های توسعه همکاری های نظامی

ایستگاه راداری قبه له

ایستگاه راداری "قبه له" در دوران جنگ سرد و در راستای مقابله شوروی با تحرکات ناتو و برنامه های نظامی ترکیه و پاکستان به عنوان متحدین غرب از سال 1978 تا 1984 تاسیس و در 1985 رسماً بهره برداری شد. این ایستگاه با فضای 210 هکتار در روستای زاراگان شهر قبه له در 320 کیلومتری شمال غرب باکو تاسیس شد و توانایی شناسایی انواع هواپیما و موشک های قاره پیما در نیمکره شمالی (تا شعاع 7200 کیلومتری) را دارد. رادار این ایستگاه از تیپ دارپال است که گفته می شود در نوع خود در دنیا بی نظیر است. این ایستگاه قادر است، حتی موشک هایی را که از زیردریایی ها در اقیانوس هند شلیک می شود در 2 تا 3 ثانیه شناسایی و ابعاد، جهت و سرعت آن را احصاء نماید. این ایستگاه به همراه 8 ایستگاه راداری دیگر که اکنون 3 مورد در فدراسیون روسیه، 5 مورد دیگر در اکراین، قزاقستان و روسیه سفید هستند، سیستم یکپارچه دفاع موشکی و هسته ای اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل می دادند که در شرایط کنونی به جز ایستگاه های موجود در آذربایجان و روسیه سفید بقیه یا تعطیل شده اند و یا اهمیت چندانی ندارند و در این میان ایستگاه قبه له به سبب کنترل تا مناطق دوردست در جنوب روسیه و منطقه خاورمیانه اهمیت زیادی دارد.

از آنجا که دولت آذربایجان قصد ایجاد پایگاه نظامی خارجی در کشورش را نداشت، این ایستگاه را به صورت اجاره در اختیار روسیه قرار داده که آخرین قرارداد در این زمینه با مدت 10 ساله در 2002 امضاء شده است. این ایستگاه برای روسیه بسیار حیاتی است و بدون آن امنیت دفاع موشکی و هوایی روسیه از سمت جنوب به مشکل بر می خورد. از این روست که روسیه علی رغم بر چیدن بسیاری از پایگاه های خارجی خود بعد از پایان جنگ سرد (از جمله در کوبا و ویتنام) به ادامه اجاره این ایستگاه علاقه مند است. گفته می شود که این ایستگاه با رادارهای محلی در خاک آذربایجان تقویت می شود که یکی از آنها در منطقه لریک در نزدیکی مرز با ایران می باشد. مالکیت این ایستگاه و اموال غیر منقول آن متعلق به جمهوری آذربایجان و تجهیزات قابل انتقال متعلق به روسیه است. در این ایستگاه 1500 نفر مشغول به کارند که حداقل 800 نفر از آنها متخصصین روسیه و بقیه آذری هستند. امنیت این ایستگاه نیز طبق توافق به عهده نیروی هوایی ارتش جمهوری آذربایجان است. [3]

به دنبال طرح مساله ایجاد سپر دفاع موشکی از طرف آمریکا در لهستان و جمهوری چک، روسیه پیشنهاد استفاده مشترک آمریکا از این ایستگاه را به عنوان جایگزین داد و هرچند آمریکایی ها فعلاً به صورت جدی مساله ایجاد سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی را دنبال نمی کنند ولی به دلیل احاطه کامل روسیه به ایستگاه قبه له، از این پیشنهاد استقبال نکرده اند. ولی در هر صورت زمینه و امکان استفاده مشترک آمریکا، روسیه و آذربایجان و یا استفاده ساختار نظامی ناتو از این ایستگاه به طور کامل از بین نرفته است.

پایگاه های هوایی و دریایی

طبق اطلاعات منابع نظامی ، نزدیک به 50 نقطه در جمهوری آذربایجان وجود دارد که به صورت بالفعل یا بالقوه توان خدمات رسانی به ناوگان هوایی (اعم از نظامی و غیر نظامی) را دارند که تراکم این نقاط در مناطق مرکزی و در مجاورت سواحل دریای خزر بیشتر است. از بین این نقاط سه پایگاه هوایی به جای مانده از ارتش شوروی دارای اهمیت زیاد و امکانات زیرساختی در خور توجهی

هستند. این نقاط عبارتند از:

- پایگاه هوایی کورد امیر: این پایگاه دارای موقعیت سوق الجیشی هوایی به جهت قابلیت بهره برداری برای بمب افکن ها و هواپیماهای پشتیبانی سنگین است. این پایگاه در نزدیکی شهر کورد امیر در مناطق مرکزی کشور بوده و گفته می شود بعد از تحویل به نیروی هوایی آذربایجان اصلاح و بازسازی شده است.

- پایگاه هوایی ناسوسنی: این پایگاه در منطقه ناسوسنی در حومه شهر باکو قرار دارد که بازسازی شده و برای هواپیماهای پشتیبانی و جنگنده های اف 16 قابل استفاده است. این پایگاه بر سر راه کریدور هوایی خزر و آسیای مرکزی به قفقاز و اروپای غربی واقع شده است.

- پایگاه هوایی یئولاخ: این پایگاه نیز در مناطق مرکزی کشور است که برای خدمات دهی به ناوگان جنگی مناسب ارزیابی می شود.

علاوه بر پایگاه های هوایی، پایگاه های دریایی فرماندهی گارد خزر در باکو و پایگاه دریایی آبشارون در شبه جزیره آبشارون در نزدیکی باکو نیز برای استقرار نیروهای واکنش سریع در محدوده دریای خزر مناسب هستند. [4]

قراردادهای خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی

جمهوری آذربایجان اخیراً در زمینه گسترش همکاری های نظامی با طرف های خارجی فعال تر شده است. انعقاد قرارداد خرید خدمات امنیتی و تسلیحات و تجهیزات نظامی با شرکت های خارجی از این جمله است که یکی از نمونه های آن انعقاد قرارداد خرید تکنولوژی و تجهیزات نظامی از گروه صنایع نظامی پارامونت و شرکت آئرو سود است که گفته می شود در جریان شرکت وزارت دفاع این کشور در نمایشگاه صنایع دفاعی – نظامی در کیپ تاون آفریقای جنوبی در سپتامبر 2010 صورت گرفته است. [5] انعقاد دو قرارداد در زمینه خرید تجهیزات و همکاری در زمینه تولید مشترک برخی ملزومات مهندسی نظامی با ترکیه نیز از دیگر همکاری ها در این زمینه می باشد که وزارت دفاع جمهوری آذربایجان در سال 2010 آن را دنبال کرده است. این قرارداد که بین وزیر صنایع دفاعی آذربایجان و وزیر دفاع ترکیه در جریان برگزاری نمایشگاه نظامی در کشور عمان امضاء شد، آموزش افسران آذری توسط متخصصین ترکیه رانیز شامل می شود. [6]

پخش خبر فروش موشک های اس 300 از طرف روسیه به آذربایجان نیز هرچند به طور رسمی تایید نشده است، ولی نشان از گرایش باکو به افزایش همکاری های نظامی خارجی در راستای توانمندسازی ارتش خود دارد. گفته می شود قرارداد خرید موشک های یاد شده که کاربرد دفاعی دارند، به ارزش 300 میلیون دلار است که رقم در خور توجهی در مبادلات تسلیحاتی آذربایجان محسوب می شود. اما آنچه در این میان تردید آور است، نیاز کنونی باکو به چنین موشک ها است. آذربایجان در شرایط کنونی هدف اصلی خود را در حوزه نظامی بر مساله قره باغ متمرکز کرده است و این موضوع در دکتترین نظامی این کشور نیز تصریح شده است.

از این رو نیاز آذربایجان به موشک های دوربرد اس 300 به دلیل نزدیکی جغرافیایی آذربایجان وارمنستان و نیز عدم تصور حملات هوایی جدی از سوی ارمنستان که نیاز به استفاده از این موشک ها را ضروری سازد، محل شک و ابهام است. از آنجا که این اخبار عمدتاً در محافل خبری غیر آذری منتشر می شود، شاید یکی از دلایل پخش این خبر ایجاد انگیزه در طرف ارمنی برای همکاری بیشتر با روسیه است. به ویژه اینکه ارمنستان در شرایطی قرار دارد که در صورت بازگشایی مرزهایش با ترکیه به دنیای غرب می پیوندند و این مساله در هر صورت برای مسکو خوشایند نخواهد بود. بنابر این روسیه قصد دارد، قبل از اینکه این اتفاق احتمالی بیفتد، به اندازه کافی در ارمنستان جای پا داشته باشد.

رویکرد دفاعی – امنیتی جدید باکو (مبتنی بر دکتترین نظامی)

در دکتترین نظامی جمهوری آذربایجان که بخشی از سیاستهای دفاعی – امنیتی این کشور محسوب می شود و به تازگی از سوی مجلس این کشور به تصویب رسیده است، به همکاری های نظامی اهمیت زیادی داده شده است. طبق این دکتترین شرایط استقرار پایگاه های نظامی در خاک جمهوری آذربایجان نسبت به قبل آسان تر گشته است. طبق ماده 21 این دکتترین ایجاد پایگاه نظامی و یا استقرار قوای جنگی و یا تحرکات مشابه جنگی از سوی کشورهای خارجی در نزدیکی مرز با آذربایجان به مثابه یک تهدید نظامی خارجی تلقی خواهد شد. همچنین در ماده 29 این دکتترین به جز در مواقعی که تعهدات بین المللی کشور ایجاب نماید، ایجاد پایگاه نظامی خارجی در خاک این کشور ممنوع است ولی در شرایطی که تغییرات اساسی در شرایط نظامی - سیاسی رخ دهد، دولت آذربایجان دارای حق صدور مجوز ایجاد پایگاه نظامی در خاک خود و یا اشکال دیگر همکاری نظامی خارجی خواهد بود. همچنین در این دکتترین اشغال اراضی آذربایجان توسط ارتش ارمنستان یک تهدید اساسی تلقی و قید شده است که اگر کشورهای خارجی حمایت هایی به منظور استمرار این اشغالگری از ارمنستان داشته باشند، این حمایتها به مثابه یک اقدام تهدید آمیز علیه آذربایجان قلمداد خواهد شد. [7]

در رویکردهای دفاعی – امنیتی جدید جمهوری آذربایجان که در دکتترین نظامی این کشور منعکس شده است به همکاری های نظامی با ناتو اهمیت زیادی داده شده و به نظر می رسد با توجه به نیاز ارتش جمهوری آذربایجان به مدرن سازی بر اساس استانداردهای روز دنیا، این دکتترین گرایش به سمت گسترش همکاری ها با ناتو را تقویت خواهد کرد.

جمهوری اسلامی ایران و سیاست های دفاعی آذربایجان

با توجه به حوزه های مشترک در سیاست های دفاعی- امنیتی ایران و جمهوری آذربایجان، هرگونه تحرک در سیاست های یک طرف بر امنیت طرف دیگر و منطقه تاثیر خواهد گذاشت. از این رو تقویت فرآیند نظامی گری در جمهوری آذربایجان و تسهیل همکاری های نظامی این کشور با غرب، موضوعی نیست که توسط ایران نادیده گرفته شود. در این میان تمایل زیاد آمریکا به حضور نظامی در این کشور که با اهداف مختلفی از جمله حضور در نزدیکی مرزهای ایران، حضور در حوزه دریایی مهم خزر و تسهیل در پشتیبانی نیروهایش در افغانستان دنبال می شود، واقعیتی است که منافع ایران و روسیه را تهدید می کند.

در این زمینه روسیه، پیوندهای امنیتی – نظامی سنتی خود با باکو را حفظ کرده است و نیز به خاطر همکاری هایی که در عین رقابت با آمریکا دارد، نباید به اندازه ایران از این امر نگران باشد. ولی ایران نیاز به تلاش های زیادی در این خصوص دارد. به ویژه اینکه تهدید حضور نظامی آمریکا یا ناتو در آذربایجان با تلاش های روز افزون اسرائیل برای نفوذ در این کشور همراه است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید کاستی های سال های پیش در برقراری روابط مستحکم با آذربایجان به ویژه در حوزه نظامی – امنیتی را با دیپلماسی فعال برطرف نماید.

تلاش های دیپلماتیک اخیر ایران در نزدیکی به باکو که به دنبال حاکمیت آذربایجان از غرب صورت گرفت، حرکت موثری است که با بهره گیری از ساز و کارهای جدید می تواند، بخش عمده خلاء ایجاد شده در مناسبات خارجی باکو را پر کند. سفرهای اخیر مقامات ایرانی به جمهوری آذربایجان که با دیدارهای آتی وزیر دفاع، رئیس جمهور و و رئیس مجلس ایران دنبال خواهد شد، نشان از درک حساسیت مساله و تلاش برای استفاده از فرصت پیش آمده دارد. فرصتی که در صورت عدم استفاده می تواند به تهدید تبدیل شود. در این میان علاوه بر اعتماد سازی بین دولت های دو طرف، افکار عمومی جامعه در دو کشور نیز نیاز عمیقی به بازسازی دارند.

در شرایط کنونی برخی تفکرات مخالف نزدیکی با ایران در جمهوری آذربایجان وجود دارد که عمدتاً از سوی احزاب مخالف دولت مدیریت می شوند. در این زمینه جامعه آذربایجان نیاز به مواضع شفاف حمایتی از سوی ایران به ویژه در مساله قره باغ دارند. همچنین پیشرفت های نظامی ایران می تواند، الگویی برای توسعه نظامی در جمهوری آذربایجان باشد. در صورت گسترش همکاری های نظامی دو کشور، تجربه ایران در جنگ با عراق می تواند در تامین آمادگی ارتش آذربایجان برای آزادسازی اراضی اشغالی اش راهگشا باشد. هرچند که وقوع جنگ دوباره در قره باغ به ضرر منطقه است ولی افزایش آمادگی ارتش آذربایجان در پذیرش تخلیه اراضی اشغالی توسط ارمنستان تاثیر زیادی خواهد داشت.

نتیجه گیری

هرچند سیاست های چند سال اخیر دولت باکو نشان از این داشت که این کشور، توسعه همه جانبه را بدون توجه به سرنوشت مساله قره باغ دنبال می کند و در این زمینه بر عکس ارمنستان که اکثر سیاستهای خود را به مساله قره باغ و مشکل با ترکیه گره زده، جمهوری آذربایجان توانسته است در سالهای اخیر با کنار ماندن ارمنستان از میدان تعاملات اقتصادی منطقه به ویژه خطوط انتقال

انرژی، خود را به شکل مناسبی به بازارهای تجاری- اقتصادی غرب پیوند بزند. البته به موازات این سیاست که در ظاهر نوعی کم توجهی به مساله قره باغ در آن مشاهده می شود، هزینه های نظامی آذربایجان بیشتر شده و این کشور در صدد تقویت ارتش خود بوده است. این امر حاکی از آن می باشد که آذربایجان امید واقعی به حل مناقشه قره باغ به دست کشورهای غربی ندارد و اکنون که این کشور بی اعتمادی خود به غرب را در جریان تلاش های صورت گرفته برای بازگشایی مرز ترکیه – ارمنستان آشکار ساخت، به نظر می رسد که تلاشهای دولت برای همکاری های نظامی و خرید تسلیحات و تجهیزات جدی تر از قبل شده است.

هر چند جمهوری آذربایجان در زمینه صدور اجازه تاسیس پایگاه نظامی خارجی به ویژه آمریکا در خاک خود، بسیار با احتیاط و محافظه کار است و ملاحظات امنیتی همسایگان را به مثابه یک فاکتور مهم در نظر می آورد ولی موقعیت سوق الجیشی این کشور خصوصا در کرانه دریای خزر و نیز وجود زیرساخت های نظامی در خور توجه در این کشور کوچک مقیاس، برای قدرت های بزرگ به ویژه نیروهای فرامنطقه ای و سوسه انگیز است. در این میان گرایشات باکو در پیوند گسترده تر و عمیق تر با ساختار یورو – آتلانتیک که با رقابت سایر جمهوری های شوروی سابق همراه است، موضوع در خور توجهی می باشد که نباید از آن غافل ماند.

از منظر ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیز اتخاذ روبه های تقویت کننده همگرایی بیشتر باکو در منطقه و رعایت حسن همجواری با ایران، اولویتی اساسی محسوب می شود. هر چند جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در زمینه مسایل رژیم حقوقی خزر و نوع مناسبات خارجی با دیگر کشورها با هم اختلاف نظر دارند ولی همگرایی بیشتر دو کشور قطعا" بهتر از دوری این دو در خدمت منافع ملی دو طرف خواهد بود. در این میان نقش ایران در تقویت این همگرایی بیشتر و موثرتر است. تجربه نشان داده است که کشورهای کوچک نوع مناسبات مبتنی بر روابط برادر بزرگ – برادر کوچک را بر نمی تابند. کما اینکه آذربایجان در مناسبات با ترکیه از این نوع رابطه پیروی نکرد و ترکیه با درک به هنگام این واقعیت سعی کرد خدشه وارده به مناسبات فی مابین – در مساله بازگشایی مرز با ارمنستان - را ترمیم بخشد.

پی نوشت ها:

1. http://www.theodora.com/wfbcurrent/azerbaijan/azerbaijan_military.html

2. Ibid

3. <http://www.turksam.org/tr/a1286.html>

4 - واحدی - الیاس، برآورد استراتژیک آذربایجان (جلد دوم اقتصادی- نظامی)، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، تهران، 1385، صص 462- 457

5. <http://news.am/eng/news/29076.html>

6. <http://www.news.az/articles/15325>

7. <http://www.muxbir.com/2010/06/fuad-elesgerov-herbi-doktrina-layihesi>

پایان پیام.